



بی شک در این عصر، رسانه بهترین ابزار بیداری است؛ هنرمند بیدار باید با تولید آثاری از جنس مفاهیم به فراموش رفته اسلامی در رادیو، تلویزیون و فضای مجاز کاوه هایی برای قیام علیه ظلم و تاریکی تربیت کند.

محمد حسین آزادی  
کارشناسی ارشد ارتباطات

سالیان زیادی بود که سخن از بُعد روحانی انسان، ارتباطش با خالق و تمایل فطری اش به آزادی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی در بایگانی تاریخ خاک میخورد تا آنکه ساز کوک جهانی شدن بر هم خورد و انقلابی آن هم دینی در سرزمین حاصل خیز سلطه گران به وقوع پیوست. سر ناسازگاری بلوک شرق و غرب با انقلاب مردم ایران از همان ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ آغاز شد؛ تهدید پشت تهدید، ترور پشت ترور، تهاجم پشت تهاجم و تحریم پشت تحریم. جز تاریخ چیزی نمی تواند گواه هجمه های یکسره قدرت های شرق و غرب به این مولود خوش بُمَن عصر انحطاط انسانی باشد. اگر آب و نفت محلول شدند، انقلاب اسلامی و شرق و غرب نیز در هم حل خواهند شد؛ تفاوت در اصل و اساس و نگاه به انسان است؛ انقلاب، سعادت انسان را در اتصال به خدا و شرق و غرب سعادت انسان را در انفصال از خدا می بینند. چنین نگاه و نگرشی در تمام جنبه های زیست غربی ساری شده و لایف استایل شهروندانش را شکل داده است. ایمان، باور و اندیشه جوانان خوراک ضحاک عصر ماست از هر مسیر ممکن این هدف را پی می گیرند؛ اینترنت، رادیو، تلویزیون، کتاب، جنگ و تحریم. گریزی نیست جز آنکه انقلاب اسلامی فریاد بیداری سر دهد و ذهن های خفته درون و بیرون مرزها را بیدار سازد. بی شک در این عصر، رسانه بهترین ابزار بیداری است؛ هنرمند بیدار باید با تولید آثاری از جنس مفاهیم به فراموش رفته اسلامی در رادیو، تلویزیون و فضای مجاز کاوه هایی برای قیام علیه ظلم و تاریکی تربیت کند.

انتظار رهبران فرزانه از بزرگ ترین رسانه انقلاب همین است؛ دانشگاهی برای تربیت ظلم ستیزان و وفاداران به اصول والای انسانی. فرقی نمی کند ژانر برنامه چه باشد همه ی محصولات باید مؤلفه های رو به جلو و آموزنده در بر داشته باشند. تا فرشچپانی رشد نکند با ذهن زیبای خداجو، تا حاتمی کیایی پرورش نیابد با باور راستین انقلابی، تا سلحشوری قد نکشد با اندیشه بی غش اسلامی؛ تابلوی ظهر عاشورا، فیلم آژانس شیشه ای و سریال یوسف پیامبر خلق نمی شود.



با داد و فریاد بر سر هم دیگر و انگشت اتهام کشیدن به این و آن، نه سلحشوری تربیت می شود نه یوسف پیامبری ساخته؛ گرچه نقد طبیبانه از سوی دلسوزان و پذیرشش از سمت متصدیان در مسلک اسلامی صد ارزش به چاپلوسان گل و بلبل نما دارد و نباید به واسطه جملات پرتکرار کلیشه ای نظیر «مقطع حساس کنونی» راه را بر نقد دغدغه مندان بست.



چله دوم انقلاب شروع شده و نیاز است مسیرهای اشتباه گذشته اصلاح و مسیرهای صحیح تقویت شوند، برچسب باران منتقدان آگاه جز «حفظ وضع موجود» آورده ای ندارد. گرچه انتظار بر نقد ساختار و اشکالات است نه تخریب افراد و گروه ها. غرض آنکه رفت و آمد بچه های این مدرسه و آن دانشگاه، تاکنون علاج مطلوب سازی رسانه ملی نبوده. خیلی ها آمده و رفته اند و به قول رهبر انقلاب، تولید محصولات عمقی در صداوسیما هنوز بر زمین است. گرچه توپ را در زمین یک عده انداختن هم انصاف نیست؛ شاید همانقدر که سازمانی کوتاهی داشته، حوزه ها و دانشگاه ها هم کوتاهی داشته اند، هر چه باشد منبع شوره های و تولید فکر و تربیت نیروی کاربلد و دغدغه مند آنان هستند. فکر و چاره ای اساسی نیاز است و آن تربیت فرشچیان ها، حسام ها، سبزواری ها، حاتمی کیاها، صفارزاده ها و سلحشورهاست؛ زبان برچسب زنی به کام کشید، بختک روزمرگی از خود دور سازید، همّت پیشه کنید و چاره ای بنیادین بیاندیشید. گام دوم انقلاب در تمام عرصه ها طهرانی مقدم ها و سلیمانی هایی می طلبد؛ آرام، متین، هوشمند، دقیق، پیشتاز و تحول گرا.

## سرمقاله



امیر موسیوند کارشناسی ارشد ارتباطات

در کنار هم تا رسیدن به رسانه فراز انقلاب

ضرورت و اهمیت تربیت نیروهای متعهد و انقلابی در دانشگاه ها بر کسی پوشیده نیست از سوی دیگر تقریباً قریب به اتفاق کارشناسان و فعالان دانشجویی و دانشگاهی معتقدند ساختار دانشگاهی و بوروکراسی حاکم بر آن به تنهایی توانایی اسلامی سازی محیط دانشگاه و تربیت دانشجویان انقلابی و متعهد را ندارد. با یک دانشکده معارف و چند واحد اندیشه اسلامی و... دانشگاه اسلامی ایجاد و دانشجوی انقلابی تربیت نمی شود. این در حالی است که لزوم تربیت نیروی انقلابی توسط دانشگاه ها به هر میزان که باشد در دانشگاه «صداوسیما» اهمیتی دو چندان دارد چرا که این دانشگاه دروازه ورود افراد به مهم ترین نهاد فرهنگی کشور است. نهادهای که امروز حال و روز خوبی ندارد به نحوی که این روزها شاهدیم از داخل و خارج آن افراد مختلف نسبت به نقد عملکرد آن از یکدیگر سبقت می گیرند. صداوسیما نهادهای است که به لحاظ نیروی انسانی فربه محسوب می شود و با استانداردهای یک سازمان رسانه ای مطلوب فاصله دارد اما بسیاری از این نیروها از تخصص لازم بهره مند نیستند. کسانی که با ساختار صداوسیما آشنایی دارند می دانند در کنار نیروهای انقلابی و متعهدی که در این نهاد وجود دارد تعداد زیادی از نیروها هستند که در بهترین حالت افرادی بی تفاوت و خنثی نسبت به ارزش های انقلاب اند. این دو عامل در کنار وجود ساختارهای بعضاً غلطی که در آن وجود دارد موجب گردیده تا این نهاد استراتژیک از کارکرد اصلی خود فاصله بگیرد. رهبر معظم انقلاب، دانشگاه صداوسیما را «نبض تپنده» رسانه ملی می داند که اگر ورودی و خروجی آن اصلاح شود سازمان صداوسیما را متحول می کند اما این «نبض» صداوسیما اگر بر ریل اداری و معمول خود رها شود خروجی مدنظر رهبری را نخواهد داشت هر چند که مسئولانی متدین و انقلابی مانند مدیران فعلی و گذشته مدیریت آن را در اختیار داشته باشند. خطر «خود کارمندی» زود هنگام که در کمین دانشجویان دانشگاه صداوسیما است و ساختار اداری هم خواسته و پاناخواسته بر شدت آن می افزاید، آرمان خواهی و تحول خواهی انقلابی را در دانشجویان ذبح می کند. در این شرایط تعدادی از جوانان انقلابی دانشگاه صداوسیما تحت عنوان «جامعه رسانه اسلامی» در این دانشگاه گرد هم آمده اند تا با استفاده از بسترهای قانونی دانشگاه و سازمان در کنار آرمان خواهی و عقلانیت انقلابی با تشکیل جمعی از دانشجویان بامبانی عمیق معرفتی و مجهز به سلاح تخصص و تقوا بتوانند در بهبود وضعیت عظیم ترین قرارگاه فرهنگی انقلاب موثر باشند. ما به عنوان خادمان شما دانشجویان در «جامعه رسانه اسلامی» معترفیم که کاستی های زیادی داریم و با نقطه مطلوب فاصله داریم اما دست همکاری و یاری خود را به سوی شما دراز می کنیم تا بتوانیم به مدد شما آینده سازان صداوسیما در ذیل توجهات الهی آینده ای بهتر برای سازمان صداوسیما رقم بزنیم و رسانه ملی در طراز انقلاب اسلامی داشته باشیم.

ان شاء...



## عصر عجیب

امیرحسین کریمی  
کارشناسی ارشد  
مدیریت رسانه

شاید هیچکس گمان نمیکرد که یک کپی درجه چندم و محصور در هزاران محدودیت شرعی، عرفی، اخلاقی از تلنت شوی مشهور و محبوب، بتواند به این سطح از موفقیت برسد! نفر اول اولین فصل از عصر جدید، بیشتر از نفر اول دور ابتدایی انتخابات سال ۸۴ (احمدی نژاد) رای می آورد! و این مسئله نشانگر توانایی احسان علیخانی در برقراری ارتباط با توده های مختلف مردم است. جوانی که محمدرضا زائری، منتقد همیشگی صداوسیما را وادارکرد که در دو پست پیاپی، از او تقدیر و تشکر کند و بزرگترین استعداد عصرجدید را، شخص علیخانی معرفی کند! خلاصه اینکه از زمین و زمان برای علیخانی تبریک و تایید می آمد اما در این میان، جنس صدای برخی کف و سوت ها، متفاوت بود. یکی از بزرگترین حامیان تولید و ترویج عصرجدید، جریان موسوم به اصولگرایی یا انقلابی بود. برخی فاطمه صادقی (برنده هنرمند فینال عصرجدید) را زن تراز انقلاب اسلامی معرفی کردند و دیگری هم عصر جدید را الگویی در گام دوم انقلاب اسلامی !!!

درباب اتفاقات خوبی که در پرمخاطب ترین برنامه رسانه ملی افتاد، سخن بسیار است؛ از تقویت انسجام ملی تا تاکید بر موسیقی سنتی، از پر کردن اوقات سرگرمی مردم تا تعطیل شدن بساط شبکه های ماهواره ای بیگانه، از مشارکت فعالانه مردم در اداره برنامه تا مجبور کردن سازمان به عقب نشینی از خطوط قرمز خودساخته و ده ها مزیت دیگری که می توان از آنها تفصیلا سخن گفت. اما بیایید ببزیریم کمی دچار افراط و تفریط هستیم. جریانی که تا دیروز، خندوانه را جلف و جعلق می دانست، امروز عصرجدید را الگوی انقلاب اسلامی در گام دوم می داند! جل الخالق! انقلابی که رهبر آن در همین بیانیه گام دوم، اتفاق آن را آغازگر عصر جدیدی در عالم معرفی می کند، حالا تحلیلگر منسوب به همان انقلاب، برنامه ای زاده در فرهنگ سراپا مصرفی و مادی غرب را الگویی برای انقلابی گری رسانه ای در ایران اسلامی می داند! جهت اطلاع این دوست تحلیلگر (که البته تخصص شان در مسائل امنیتی ست) باید عرض کرد که این تلنت شوها منتقدان جدی و فراوانی در دنیا هم دارد و ازقضا در دسته بندی های سیاسی و اجتماعی کلان، کلرکرد چنین برنامه هایی را در حوزه اندیشه ای نئولیبرال تعریف می کنند. اگر مارا باور ندارید، اپیزود دوم فصل یک سریال موفق و محبوب آینه سیاه را تماشا کنید. چارلی بروکر (نویسنده اثر) که نقد سرمایه داری و لوازم همیشگی آن مانند فناوری افسارگسیخته و شیورگی را سرلوحه کارخود قرار داده، تلنت شورا صرفاً یک نمایش گسترده برای سرگرمی و البته سوءاستفاده قدرتمندان و ثروتمندان، تصویر می کند. نمایشی که دست های کلرگردان آن، پشت عناوین دهان پرکنی چون استعداد یابی و ... پنهان می شوند. نمایشی که تحرکات و برجستگی های بدن، در آن از هر چیزی بیشتر خریدار دارد. بخواهیم یا نخواهیم، در دنیای گفتمان ها، میان مسابقه دختر شایسته و تلنت شو (با هر نوع دخل و تصرفی) تفاوت ماهیتی چندانی وجود ندارد. برای تحلیل چنین پدیده فرهنگی مهمی که میلیون ها ایرانی را عمیقاً با خود درگیر کرده است، باید با توجه بیشتری به آن بنگریم (فارغ از اینکه مدیرجوان شبکه ۳ از قبیله فکری و سیاسی ما باشد یا نباشد). تا اینکه اقلّاً دچار خطای محاسباتی در دادن ضریب به آن نشویم. پدیده ای که منتقدان آن معتقدند؛ افیون را، به گستره ایران منتشر می کند و شهوت دیده شدن را تبدیل به یک کالای مصرفی می کند. استعداد را به نمایش تقلیل می دهد، آن هم نمایشی که پر فروش باشد و هم بانک ملت آن را حمایت مالی کند و هم مردم برایش بها بپردازند!

غرض آنکه بعید است پدیده ای مثل عصرجدید و امثال آن، بتواند مطلع حرکت به سوی رسانه طراز انقلاب اسلامی ایران، آن هم در حوزه تمدنی و ذیل بیانیه گام دوم انقلاب باشد. اگرچه می تواند اوقات سرگرمی خوبی برای عموم مردم فراهم نماید که انصافاً از این منظر قابل تقدیر است.

## نظارت می کنم، پس هستم!

سخترانی پارلمانی ملکه ی بریتانیا در حوالی خرداد ۱۳۸۰ (ژوئن ۲۰۰۱ میلادی) خبر از برنامه ی بریتانیا برای یک کاسه کردن دستگاه های نظارتی اش بر رسانه ها و صنایع ارتباطی می داد، مسئله ای که پیش از آن برای رادیو، تلویزیون، و حوزه ی مخابرات بصورت مجزا و با سازوکار اداری متفاوتی پیگیری می شد. از سال ۲۰۰۳ میلادی و با مصوبه پارلمان انگلستان، **آفکام** یا به بیانی دیگر سازمان تنظیم مقررات رسانه ای بریتانیا متولد شد تا علاوه بر ایستگاه های رادیو و تلویزیونی بر خطوط تلفن و موبایل و طیف امواج رادیویی نیز نظارت کند. بعدها و به تدریج مدیریت امور حوزه هایی نظیر پست و VOD نیز به آفکام سپرده شد. آفکام به پارلمان انگلیس پاسخگو است و آموزش را با یک هیئت مدیره ی اصلی و تعدادی کمیته، نظیر کمیته ی محتوا، کمیته ی اجرایی و کمیته ی سیاستگذاری می گذراند. اموری نظیر وضع و انتشار قوانین برای محتوای رادیویی و تلویزیونی که اصطلاحاً Broadcasting Code نامیده می شود از جمله خروجی های آفکام بوده که فرضاً پخش محتوای نامناسب برای کودکان را بین ساعات ۱۷:۳۰ تا ۹ شب ممنوع می کند. آفکام گاهی برای حجم بودجه ی دریافتی اش زیر سوال بوده و پُرش از باب برخورد با پرس تی وی در سال ۲۰۱۱ به پر مانیز خورده است.

مطالعه ی نخستین گزارش سالانه ی آفکام بر فعالیت های بی بی سی، منتشره به تاریخ ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸، بعضاً نکات جالب توجهی در بر دارد، گزارشی که حجم مفیدش حدوداً ۴۰ صفحه است و کمینه ی عملکردش یک اعلام حضور ساده از سوی نهاد ناظر بر این مجموعه ی رسانه ای است. آنجا که بی بی سی با کاستن چند دقیقه از یک بخش خبری اش برای افزایش برنامه های متمرکز بر مخاطبین جوان، ذیل موارد مطروحه در گزارش آفکام عمل می کند، این گزارش جنبه ی عملیاتی نیز به خود می گیرد تا نامحسوس بودن عملکرد نهادهای مشابه در ایران چه از باب اعلام حضورشان و چه اثرگذاری بعیدشان بیشتر کام مان را تلخ کند.

عباس نیک  
کارشناسی ارشد  
ارتباطات

Ofcom

اشراف به نظرات و تحلیل آفکام بر بی بی سی بی فایده نیست و از همین باب در اینجا به مختصری از فصل اول گزارش که کلیت آن را شرح می دهد خواهیم پرداخت. گزارش در ذیل سرتیتری که سعی در روشن کردن پس زمینه ی بررسی هایش دارد ابتدا به ظهور رقابایی آنلاین برای سرویس دهندگان سنتی تلویزیونی اشاره دارد و از امثال نتفلیکس، آمازون و یوتیوب بعنوان بازیگران اصلی این حوزه یاد می کند که بخش زیادی از مخاطبان بریتانیایی را جذب خود کرده اند. مورد بعدی به گرایش مخاطب از محتوای زنده و برنامه ریزی شده به سمت برنامه های اینترنتی و اصطلاحاً On Demand می پردازد و اینطور می گوید که نیمی از مخاطبین ۱۶ تا ۳۴ ساله ی انگلیسی به کلی از برنامه های برادکست روی برگردانده اند. در انتهای این بخش نیز آفکام از لزوم انطباق بی بی سی با فضای امروز سخن می گوید و حضور بی بی سی در هرکجا که مخاطب تماایل و البته حضور دارد را مهم می داند.

بخش بعدی که در اینجا اشاره ای مختصر به آن می کنیم دریافته های اصلی آفکام در این گزارش است، آفکام زمین بازی در حوزه ی رسانه را پیوسته در حال تغییر می داند و از همین رو توجه به این نکته را برای بی بی سی ضروری می داند و البته از میان هر ۱۰ بزرگسال بریتانیایی ۹ نفر را مخاطب بی بی سی می داند که روزانه بطور متوسط ۲ ساعت و ۴۵ دقیقه شبکه های این بنگاه رسانه ای را تماشا می کنند. سه چهارم مخاطبین بی بی سی به زعم نظرسنجی های صورت گرفته توسط آفکام از این مجموعه راضی اند اما چهار نکته ی اساسی در این بین نقاط ضعف بی بی سی نامیده می شوند. نخست شفافیت؛ آفکام میزان شفافیت نحوه عملکرد بی بی سی در سطح جامعه را ایده آل نمی داند و از سوی دیگر بابت توجه کم بی بی سی به بازنمایی فرهنگ و زندگی اصیل بریتانیایی گلایه مند است. همان طور که در سطور اولیه متن اشاره شد در مورد سوم از نقاط ضعف، بی بی سی ملزم شده تا تلاش بیشتری برای جلب نظر جوانان بکند و بتواند بر عادات رسانه ای آنان موثر واقع شود. مورد آخر ضعف بی بی سی در نمایندگی کردن یا به عبارتی تصویر کردن جامعه ی بریتانیایی است. بی بی سی در بازنمایی طیف گسترده ی مخاطبین جهانی اش در برابر مخاطب کشور مبدأ خود نمره ی بهتری کسب کرده و آفکام به تغییر این مسئله می اندیشد.

متن حاضر خلاصه ی فصل نخست گزارش آفکام بر فعالیتهای سال پیش بی بی سی بود، مواردی که مطابق سیاست های آفکام به شکل تفصیلی و فارغ از گزارش عمومی به طور اختصاصی برای مدیران بی بی سی ارسال می شوند تا آن طور که باید برای اجرایی شدن طرح ریزی شوند.

making communications work  
for everyone

## نقطه رهایی فتنه اقتصادی

رضا کارگر  
کارشناسی ارشد  
مدیریت رسانه

از دو سال گذشته در هر شماره این نشریه یادداشتی در مورد فتنه اقتصادی نوشته شده و از مثبتات اقتصادی کشور دفاع شده است. اما از آن جایی که خواص کشور حاضر به بیان این نقاط مثبت (که رهبری نظام نیز بارها و بارها بر آنها تأکید کرده اند) نیستند، اکنون که نگارنده این متن را قلم می زند تردیدی ندارد که فتنه اقتصادی در نقطه رهایی خود قرار گرفته است. به گزاره های زیر توجه کنید:

**اول:** بزرگ نمای مشکلات اقتصادی در کشور و سعی در بحرانی نشان دادن اوضاع اقتصادی کشور توسط گروهی خاص در دولت و ستاد اصلاح طلبان. کشوری که اقتصادش به گواه صندوق بین المللی پول هجدهم دنیاست. ضریب جینی کشور بهبودیافته و تنه به تنه ی آمریکا، روسیه و چین می زند. کشوری که توانسته است با ایجاد ثبات در منطقه، درهای اقتصادی وسیعی در کشورهای همسایه خود مانند عراق و سوریه باز کند. دوم: وانمود کردن اینکه مردم ایران گرسنه و ناامیدند، توسط یک گروه خاص، یعنی همان حرفی که ترامپ مرتب دارد تکرار می کند. به نظر شما این حرف ها را چه کسانی گفته اند: کاش انقلاب اسلامی رخ نمیداد، انقلاب به هیچ وجه به اهدافش نرسید، اسلام فعلی نظام اسلام امام خمینی نیست، به بن بست رسیده ایم و جامعه امکان ادامه ندارد، این جامعه آفت زده است، این جامعه لجن است، با مردم گرسنه و بیکار نمی توان امنیت ایجاد کرد. این ها صحبت های اصلاح طلبانی مثل الویری، زاهد، عبدی، تاجزاده، تاجیک و روحانی فضلی است. جریان خاصی که شبانه روز در تریبون های خود روح نامیدی را در افکار عمومی مردم تزریق می کنند. سوم: رها کردن یکی از مهم ترین وظایف اقتصادی دولت، یعنی نظارت بر قیمت ها توسط رئیس جمهور روحانی، که با توجه عدم دخالت دولت در قیمت ها و نظریه اقتصاد غیردولتی ادامه دارد و نتیجه آن گرانی بی حدواندازه اقلام موردنیاز خانوارهاست که هیچ منطق و دلیلی ندارد جز شیطننت و بودن تعمد در کار. چهارم: دادن گرای خیابان به مردم و اقشار مختلف جامعه توسط یک گروه خاص در مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری و ستاد اصلاح طلبان.

سعید حجاریان در یک گفتگو از آشوب خیابانی، اسقاط نظام و خودکامگی (نظام) صحبت می کند. او در این مصاحبه کلرگران، معلمان و بازنشستگان را خطاب قرار دهد و راه برون رفت از مشکلات را اعتراض و حضور در خیابان ها می داند. درجایی دیگر محمدرضا تاجیک فعال اصلاح طلب می گوید دلیلی برای صبر مردم نمی بینم و درجایی دیگر نظام اسلامی را به کشتی تایتانیک تشبیه می کند. این موارد آنقدر زیاد است که مجالی برای طرحشان در این نوشتار نیست. پنجم: بزرگ نمایی فساد در کشور و نشان دادن سیستمی بودن فساد در کشور. در مورد این گزاره باید گفت که اگر ما به حکومت معصومین (ع) نیز نگاه کنیم و تاریخ بخوانیم می بینیم که در هر سه حکومت اسلامی صدر اسلام فساد بوده است، اما آن چیزی که حکومت اسلامی را متمایز بخشیده و گزاره سیستمی بودن فساد را رد می کند، عزم حکومت برای مبارزه و مقابله با فساد است. و الا رخ داد فساد امری است که هیچ وقت و در هیچ حکومتی به صفر نمی رسد. در کشور ما نیز همان طور که شاهدیم با تک تک فسادهایی که بعد از کشف به اثبات رسیده اند برخورد شده و شما نمی توانید فساد را مثال بزنید که بعد از اثبات با آن هیچ برخوردی نشده است.

با کنار هم گذاشتن این گزاره ها و اضافه شدن گزاره هایی مثل ترور طلبه همدانی در روز روشن فقط به دلیل اینکه روحانی است و ترور امام جمعه کازرون و مورد حمله قرار دادن طلبه سوم در کرج در سال ۹۸، میتوانیم نقشه فتنه اقتصادی را که چند سالی دارند تدارکش می بینند به خوبی بررسی کنیم. همان طور که مردم در سال ۸۸ می گفتند رأی ما کجاست، امروز هم در فتنه اقتصادی خواهند گفت که پول ما کجاست. مردمی که شاید ندانند کشورشان جزو یکی از ارزان ترین کشورهای دنیاست. ارزان ترین نان و بنزین دنیا را دارند و ارزان ترین مالیات دنیا را می پردازند.



محسن علیخانی  
کارشناسی ارشد  
مدیریت رسانه

رضا کیانیان که مهم‌ترین آثار دوران کاری‌اش در تلویزیون شکل گرفته است به موضوع گیری می‌پردازد. امیر مهدی ژوله که با نویسندگی آثار مهران مدیری در تلویزیون کارش را شروع کرد و بعدها در خندوانه شهرت گرفت تلویزیون را به سخره گرفت. اما تلویزیون نیز «دروغ» چوپان دروغگور باور کرد. آرام آرام از فیلمسازان توانمند دل کند و ساخت مجموعه‌های تلویزیونی‌اش را به کارگردانان بسیار جوان و بعضاً کارنابلد سپرد. نتیجه آن که پول هزینه می‌شد اما نه کارگردان موفقی تربیت شد و نه اثر ماندگاری در تلویزیون به یادگار ماند. «شب دهم» و «مختار نامه» پس از سال‌ها بازپخش، هنوز بیننده خود را دارند اما بعید است که اگر به حافظه خود رجوع کنیم اثر ماندگاری را طی چند سال گذشته به یاد آوریم که علاقه‌مند باشیم دوباره تماشاایش کنیم. فیلمسازان موفق دیروز، برای تلویزیون و مخاطب آن احترام قائل بودند. به تلویزیون فقط به چشم سکوی پرتاب نگاه نمی‌کردند و مدیران تلویزیون با دقت و وسواس بیشتری به تصویب طرح و فیلمنامه و انتخاب کارگردان می‌پرداختند. با کوچ مرحوم سلحشور مجموعه‌های قرآنی یتیم شد و جمال شورجه یار قدیمی سلحشور نیز در بستر بیماری است. پداله صمدی کلرگردان اثر موفق «شوق پرواز» و سید ضیال‌الدین دری کلرگردان «کیف انگلیسی» نیز کوچی زود هنگام داشتند و داود میرباقری ۶۱ ساله با تمام توان درگیر پروژه عظیم «سلمان فارسی» شده است که اگر خداوند یاریگرش باشد بتواند این مجموعه را تمام کند.

کمال تبریزی که در موفقیت «مارمولک» و «لیلی با من است» غوطه‌ور بود مجموعه موفق «شهریار» را برای تلویزیون ساخت. اما تلویزیون بیش از اینکه مدیون کلرگردانان سینما باشد، به کلرگردانان وفادار خود بدهکار است. داود میرباقری شاخص‌ترین کلرگردان این گروه است. اگر «آدم برفی» سینمایی‌اش که کار موفقی بود ولی برای چندین سال توقیف بود و مجموعه «شاه‌گوش» در نمایش خانگی را کنار بگذاریم، او بخش اعظمی از عمرش را فدای تلویزیون کرده است. مجموعه‌های فاخری مثل «امام علی (ع)»، «مختار نامه» و «معصومیت از دست‌رفته» که «الف ویژه» لقب گرفتند همه‌گی توسط میرباقری نوشته و ساخته شدند. حسن فتحی نیز همانند میرباقری کارهای موفق زیادی برای تلویزیون ساخت که «شب دهم»، «میوه ممنوعه»، «روشن‌تر از خاموشی»، «پهلوانان نمی‌میرند» و «مدار صفر درجه» از آن جمله‌اند. مهران مدیری، رضا عطاران، محمدحسین لطیفی، سیروس مقدم و حسین سهیلی‌زاده دیگر کلرگردانان پر کار تلویزیون در سال‌های نه چندان دور دهه هشتاد بودند.

اما آرام آرام تفکری در بین اهالی هنر نمایش همه‌گیر شد و آن هم تمرینی بودن تلویزیون و بی‌ارزش بودن آن بود. تفکری که همچنان نیز رایج است. سینمایی که موفق‌ترین فیلم‌سازان و بازیگرانش، اهالی سابق تلویزیون بودند ترجیح دادند بعد از نوشتن دیکته‌های غلط‌دارشان، به سینما بروند و تلویزیون را عاق کنند. پرویز پرستویی که در دهه‌های گذشته بازیگر پر کار تلویزیون بود و در مجموعه‌های «رعدا»، «آپارتمان»، «زیر تیغ» و «آشپز باشی» بازی کرده بود تلویزیون را تحریم کرد. اصغر فرهادی که مجموعه‌های «روزگار جوانی» و «پشت کنکوری‌ها» را در تلویزیون مشق کرده بود امروز به عنوان میوه سینمای روشنفکری چیده شد و گذشته کاری او در تلویزیون از یادها برده شد.

سریال، نامی لاتین و به معنای «پی در پی» و «پشت سر هم» است. بعدها مترادف آن یعنی مجموعه تلویزیونی به کار گرفته شد تا لااقل نام این محصلول رسانه‌ای پارسی باشد. قدمت مجموعه‌سازی در تلویزیون ایران به قبل از انقلاب برمی‌گردد. مجموعه‌هایی مثل «دایبی جان ناپلئون» که ناصر تقوایی با اقتباس از رمان ایرج پزشک‌زاد ساخت. اما روند مجموعه‌سازی پس از انقلاب سرعت و اهمیت بیشتری یافت و مجموعه‌هایی ساخته شد که بیننده زیاد داشت و البته بعضاً تکنیک فیلمبرداری و میزانشن آن بسیار مشابه تئاتر بود. دوربین‌های ثابت و تصویبربرداری هم‌زمان، دکور داخلی، صحنه‌آرایی استودیویی و چهره‌آرایی تئاتری از ویژگی‌های آن بود که مثال بارز آن مجموعه «آینه» بود. اما بعدها این روند تغییر کرد و کلرگردانان معتبر سینما از پرده بزرگ نقره‌ای دل‌کنند و پایشان به قاب کوچک تلویزیون باز شد. علی حاتمی و ناصر تقوایی از آن جمله بودند. علی حاتمی مجموعه فاخر «هزارستان» را ساخت و ناصر تقوایی «کوچک جنگلی» را کلیدزد. هر چند ناصر تقوایی کار را تمام نکرد و بهروز افخمی که خود از مدیران وقت گروه فیلم و سربال تلویزیون بود ساخت این مجموعه را به عهده گرفت. ورود این کلرگردانان سینما به تلویزیون باعث شد که مجموعه‌های تلویزیونی بیش از آنکه به تئاتر وفادار باشند به سمت سینما سوگیری کنند و همین امر مجموعه‌های پخش شده از قاب تلویزیون را برای مخاطبان جذاب‌تر می‌کرد. این روند بعدها ادامه پیدا کرد و در دهه‌های بعدی نیز کلرگردانان و بازیگران سینما پایشان به تلویزیون باز شد. ابراهیم حاتمی‌کیا که در سینما «آژانس شیشه‌ای» ساخته بود و در سال ۱۳۷۶ بیشترین جوایز جشنواره فجر را به خود اختصاص داده بود مجموعه موفق «خاک سرخ» را برای تلویزیون ساخت که هنوز هم از بهترین مجموعه‌های تلویزیون است.

در پس این شکم‌هایی که (ان شاء... از حلال) بالآمده است و انگشترهای رنگارنگی که زینت بخش انگشتان گشته و دکمه‌ی بالایی که بسته شدنش تنفس را به سختی انداخته ولی گویا چاره‌ای جز بستنش نیست و تسبیحی که از این دست به آن دست نقل مکان می‌کند و تغییر کاربری یافته است؛ تفکری خوابیده که نه، بلکه جولان می‌دهد. تفکری که به مثابه گرگی می‌ماند که از دریدن نه تنها باکی ندارد بلکه به لذت و تفریح و حق او تبدیل شده است، خوبی که بر اثر عدم کنترل روزبه روز وحشی‌تر شده، به این راحتی رام نخواهد شد.

در نظام ارزشی او هر کس تعریفی دارد و بالاترین تعریف در هرم ذهنی او "خود اوست". خدایی هم اگر هست تا جایی که در راستای منافع او باشد کاربرد دارد و در غیر این صورت به حاشیه می‌رود؛ همان جایی که ارزشها و آرمان‌ها و منافع انقلاب و مردم و خیلی چیزهای دیگر قلاً رفته‌اند. او به خود حق می‌دهد، او خود را ناجی می‌داند، او همان کسی که در جوانی فلان کرده است و بهمان، او کسی است که اگر در شرایط حساس کنونی، در این جایگاه نباشد چنین و چنان می‌شود، خلاصه که منشأ خیرات است و برکات.

و تو که هستی؟!!!! تویی که جوانی و جاهل، تویی که خامی و باطل، تویی که علافی و عاطل، تویی که نه تجربه داری و نه سواد و خلاصه اینکه منشأ انحرافات و شذوذات!

او از اول این گونه نبود. کم کم شد آنچه شد. البته الآن هم قبول نمی‌کند و هنوز هم ندای من آنم که رسـتم بود پهلوانش گوش فلک را کر کرده است. این روزها کمتر جایی از ایران عزیز را می‌تواند سراغ گرفت که این تفکر ریشـه در آنجا ندوانیده باشد! از دور افتاده ترین اداره ی فلان دهسـتانِ فلان شهرستان تا سازمانی به عریض و طویلی صداوسیما ی جمهوری اسلامی ایران. فرقی نمی‌کند رئیس باشی یا مرئوس، مدیر باشی یا پیرو، استاد باشی یا دانشجو و غنی باشی یا فقیر و... هر که باشی و هر کجا باشی این تفکر دست از سر تو بر نمی‌دارد،

اگر تابه حال به اگر تا به حال سراغت نیامده، شک نکن که مثل سایه دنبالت است.

خودت را برای روزی که با آن مواجه میشوی آماده کن...

نقد یک تفکر

من اگر نباشم...

امیر عباس محمدی  
کارشناسی ارشد  
مدیریت رسانه



آی آدم‌ا که اومدین تماشا ســنگ می‌زند و افترا و حاشــا شما که سوت از ته دل می کشــید هلله می‌کنید و کل می کشــید زینم و قصه دارم بــر اتون حکایتی شــبیه این شــب اتون قصه ی چند تا کودک و یه مادر روایت به خواهر و برادر تا پیش از این، باهم بودن دوتا بــی چشمی ندیده بینشــون جدایی آی آدمای کوفی و اهل شــام نیســت سزایتان بجز ننگ و نام شــما که اینگونه می‌خندید به ما زخم زبون مــی‌زند از کین به ما سلام هر نماز و یادتون هســت؟ ذکر نبی روی زیانتون هســت؟ شــنبده اید حدیث آل یاســین؟ مادرم و بطور حتم میشــناسین دنیا مــی دونه کوفیان دور نگند اهل ریا و کذب و نام و نــنگــند از طرفی نماز شــب مــی‌کنید جای دعا، عــلی ر و سب مــی‌کنید از طــرفی هــزار هــزار تا نامه می‌رسه دست پــســر فاطمه آنچه به صد ســنگ جفا می‌زند رأس حــســین است، چرا می‌زند زینم و دخت عــلی، فاطمه عمه ی ســادات و بنی فاطمه صور تم از سبیلی تان شــد کبود ارث من از فاطمه ایــنگونه بود؟ چادر مشــکی مرا سوختید چشــم به ناموس علی دوختید؟ قصه ی من حرف علی اکبر ســت خشــکی لبهای علی اصغر ست علقمه و آب و دو دســت جدا قصه ی امــید همه بچــه ها شرم، شما را که وضو ســاختید قربت اله به حــســین تاخید ســوی مدینه روم از شــهر تان خســته ز بدعه‌ی واز قهر تان شــکوه برم پیش رســول خدا یا که به نــزد مادرم از جفا چشــم شما خصــم علی، کور باد محمد زندگــر یمخانی

محمدحسین آزادی  
کارشناسی ارشد  
ارتباطاتعمارت  
تو در تو

۹۸ آه

کمک هزینه ۹۷ نیامد!

در حالی که دانشگاه صداوسیما همواره اعلام میکند که به دانشجویان دوره روزانه خود کمک هزینه تحصیلی پرداخت می کند و این کمک هزینه همواره با نوسان و تعویق پرداخت شده است اما اکنون که وارد سال تحصیلی ۹۸ شده ایم شاهد هستیم که به دانشجویان ورودی سال ۹۷ نه تنها این کمک هزینه پرداخت نشده است بلکه تاکنون حتی تعهدی که لازمه پرداخت این تسهیلات است نیز از آنان اخذ نشده است و مشخص نیست با اضافه شدن دانشجویان ورودی ۹۸ این موضوع چگونه باید محقق و مرتفع شود. در ایام پایانی سال ۹۷ بود که مسئولین دانشگاه از پرداخت موقوفات کمک هزینه تحصیلی دانشجویان به صورت یک جا به عنوان عیدی خبر دادند اما در همان زمان نیز گفته شد که دانشجویان ورودی ۹۷ مشکلی برای دریافت این تسهیلات ندارند و پس از تعطیلات نوروزی می توانند نسبت به تکمیل مراحل اداری و دریافت این کمک هزینه اقدام کنند اما اکنون وارد نیمه دوم سال ۹۸ شده ایم و کما کان از پرداخت این کمک هزینه خبری نیست. هر چند میزان این کمک هزینه همواره مورد انتقاد دانشجویان بوده و در مقایسه با تسهیلات دانشگاهی مانند «فرهنگیان» خیلی پایتر است اما پرداخت آن در این شرایط نامناسب اقتصادی می تواند بخشی از مشکلات معیشتی دانشجویان را پوشش دهد.

## درخشش نبض صداوسیما در تیر ۱۱

گاهنامه نبض صداوسیما در اولین سال حضور خود در جشنواره نشریات دانشجویی سراسر کشور افتخار آفرینی کرد. «محبوبه علی آقایی» از اعضای تحریر به نبض صداوسیما با یادداشت تحلیلی «نمک تلویزیون بر زخم اقتصاد» و گزارشی از وضعیت زلزله زدگان سرپل ذهاب توانست دو رتبه نخست بخش ویژه تیر ۱۱ را به خود اختصاص دهد. این گاهنامه همچنین در ۵ بخش توانسته بود به جمع ۱۰ اثر برتر کشوری راه یابد. «محمدحسین آزادی» مدیرمسئول سابق گاهنامه نیز در بخش نشریات صوتی مقام برتر کشور را به دست آورد. این جشنواره با مشارکت دانشگاه های سراسر کشور برگزار و ۳۰ هزار اثر ارسالی طی سه مرحله توسط داوران زبده کشوری ارزیابی شدند. اختتامیه این جشنواره با حضور مسئولان وزارت خانه های علوم و بهداشت و درمان شهرپور ماه امسال به میزبانی دانشگاه تهران برگزار شد.

## شناخ

گاهنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی  
جامعه رسانه اسلامی | دانشگاه صداوسیما

مدیر مسئول:



امیر موسیوند

سر دبیر:

حسین زارعی عظیمیان



طراح و صفحه آرا:



بهمن رضائی

هیئت تحریریه:



محمد حسین آزادی، فاطمه ایمانی، محمد زند کریمخانی، زهرا سید آقایی، رضا کارگر امیر حسین کریمی، محسن علیخانی، سعید کرابی، یحیی لک، امیر عباس محمدی امیر موسیوند، عباس نیک نفس

این نشریه صرفاً منعکس کننده نظرات نویسندگان می باشد و مواضع رسمی این تشکل در بیانیه ها منتشر می گردد.

## نبض نبض اصل لانه کبوتری در دانشگاه صداوسیما

دانشگاه صداوسیما در حال گسترش ظرفیت آموزشی خود و متناسب سازی آن با نیازهای سازمان صداوسیما و جذب دانشجویان مستعد است، تلاش هایی که بر کسی پوشیده نیست و نویدبخش ارتقای جایگاه دانشگاه صداوسیما در محیط آموزش عالی کشور و افزایش تاثیر آن در تربیت نیروهای رسانه ملی است اما جذب بیشتر دانشجویان در کنار عدم پیش بینی و برنامه ریزی صحیح برای آماده سازی امکانات رفاهی و خوابگاهی برای این دانشجویان موجب بروز مشکلاتی خصوصاً در اسکان دانشجویان خواهر در خوابگاه دانشجویی خواهران شده است.

هر چند مسئولان دانشگاه می گویند در حال پیگیری و مرتفع کردن مشکلات این دانشجویان هستند اما همچنان خوابگاه دانشجویی خواهران با تراکم جمعیت بالایی روبرو است و گفته می شود به دانشجویان شبانه خواهر، خوابگاه اختصاص داده نشده و این دانشجویان با مشکلات متعددی روبرو هستند و مجبور به اسکان در خوابگاه های خودگردان شده اند که علی رغم هزینه های سنگین که عموماً از پرداخت آن ناتوان هستند این امر با توجه به فضای نامناسب این خوابگاه ها می تواند منشأ بروز مشکلات بعدی شود.

شنیده ها حاکی از آن است که مرکز علمی کاربردی وابسته به دانشگاه ساختمانی دارد که در گذشته کاربری خوابگاه داشته است. هر چند گفته شده که این مجموعه قرار است در زمینه علمی-پژوهشی از آن استفاده شود اما به نظر میرسد در شرایط اضطراری فعلی اگر واقعا چنین مجموعه قابل استفاده ای وجود دارد بهتر است در جهت برطرف شدن نیازهای فوری و ضروری دانشجویان استفاده شود تا در فرصت مناسب مشکل به صورت ریشه ای حل شود.

به هر حال شایسته نیست دانشگاه صداوسیما در ابتدای سال تحصیلی خود با ناهماهنگی ها و مشکلاتی از این دست روبرو شود. انتظار می رفت معاونت دانشجویی در هماهنگی با معاونت آموزشی و سایر بخش های دانشگاه و سازمان پیش بینی افزایش ظرفیت دانشجویان را می کردند و برای فراهم آوردن امکانات رفاهی آنان برنامه ریزی می شد. امید است از این پس مسئولان دانشگاه نسبت به حل شدن مشکل این دانشجویان و در اختیار قرار دادن امکانات و تسهیلات لازم به آنان تلاشی بیش از پیش داشته باشند تا آن شاء.. هر چه زودتر شاهد برطرف شدن این مشکلات باشیم.



اردوی تنفس صبح ویژه ورودی های جدید دانشگاه صداوسیما با حضور چهره های فرهنگی و هنری، طی ۳ روز در اردوگاه امام صادق کیلاوند برگزار شد.



## قاب دانشگاه

